گراهام فولر

مهدی شوشتری

گراهام فولر متخصص علوم سیاسی در مؤسسه راند و کارشناس امور روسیه، خاور میانه و جهان سوم است. وی مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته مطالعات روسیه و خاور میانه از دانشگاه هاروارد دریافت نمود. فولر مدت 20 سال به عنوان کارمند سرویس خارجی، در وزارت امور خارجه خدمت نموده است که بیشتر این دوره را (حدود17 سال) در کشورهای خاور میانه (ترکیه، لبنان، عربستان سعودی، یمن شمالی و افغانستان) مشغول خدمت بوده است. نامبرده در سال 1982 به عنوان مامور اطلاعات داخلی برای پیش بینی های بلندمدت خاورمیانه، در سازمان سیا مشغول بکار شد. گراهام فولر در سال 1986 به سمت معاون شورای اطلاعات داخلی سازمان سیا منصوب شد.

آثار

وی در سال 1988 به مؤسسه راند واشنگتن پیوست و از آن زمان تاکنون، مطالعاتی در زمینه های خاور میانه، آسیای مرکزی و امور ملیت شوروی سابق، روابط روسیه و خاورمیانه، بنیادگرایی اسلامی و مشکلات دموکراسی در خاور میانه به انجام رسانده است. از وی کتب و مقالات متعددی در زمینه اسلام سیاسی معاصر به چاپ رسیده است که می توان موارد زیر را برشمرد:

1- کرانه باختری اسرائیل: نقطه بی بازگشت

[The west Bank of Israel:Point of No Return]

2- بنیادگرایی اسلامی در پاکستان: ویژگی ها و چشم انداز (1991)

Prospects] [Islamic Fundamentalism in Pakistan:Its Character and

3- بنیادگرایی اسلامی در افغانستان: ویژگی ها و چشم انداز (1991)

andProspects] [Islamic Fundamentalism in Afghanistan:Its Character

4- دام دموکراسی: خطرات دنیای پس از جنگ سرد (1992)

World] [The Democracy Trap:Perlis of the post Cold War

5- قبله عالم: ژئوپولتیک ایران (1992)

[The Center of the Universe:Geopolitics of Iran]

6- سیاست خارجی جدید ترکیه: از بالکان تا چین غربی، بایان لسر (1993)

Western China] [The New Foreign policy of Turkey:From the Balkans to

7- احساس محاصره: ژئوپولتیک اسلام و غرب، بایان لسر (1995)

[A Sense of Siege:the Geopolitics of Islam and the West]

8- "بنیادگرایی اسلامی: تهدید نه چندان طولانی"، واشنگتن پست،13/1/1992.

[Islamic Fundamentalism:No Long-Term Threat]

نظرات

به عقیده گراهام فولر، بنیادگرایی اسلامی (که برای اهداف تحلیلگرانه، واژه ای نادرست و نارسا است) طی دو دهه گذشته، بویژه با ضعیف شدن کمونیسم، به تنها نیروی ضد غربی مبدل شده است. بنابراین دولت های اسلامی، برخلاف دیگر نقاط دنیا، از خود چهره های عجیب و هراس انگیزی به غرب نشان داده اند; جمال عبدالناصر، معمر قذافی، آیت الله خمینی (ره) و صدام حسین، نمونه های قابل توجهی در [مقوله] اهریمن شناسی غربی هستند.

وی معتقد است، با فروپاشی کمونیسم هیچ باور و عقیده منسجم دیگری - که در گستره جغرافیایی وسیعی میان مردم شیوع یافته باشد - همچون اسلام تندرو، صراحتا و قویا از غرب انتقاد سیستمیک نکرده است. در عین حال، خاور میانه در خلال چند دهه گذشته، بویژه زمانی که اسرائیل به عنوان یک قدرت غربی تلقی می شود، تنها گستره مداخله نظامی غرب بوده است. (1)

وی بر این باور است که روابط بین اسلام و غرب بیانگر صحنه "مبارزه ایدئولوژیک جهانی در آینده" نخواهد بود و علی رغم رقابت های تاریخی این دو مدعی برای تبدیل شدن به "دینی جهانی"، اسلام به عنوان یک مذهب، قصد رویارویی با مسیحیت یا غرب را ندارد. (2)

به عقیده وی، اسلام سیاسی هم اکنون فرصتی برای شکل دادن به اندیشه ها و اجرای آنها در جهان اسلام و جوامع مسلمان در غرب یافته است و جهان غرب در خصوص بعضی از گروههای حاکم در جهان اسلام، بیمناک است، اما واشنگتن و اروپا مجبورند این واقعیت را بپذیرند. (3) به نظر گراهام فولر، گمان می رود که نقش اسلام در سیاست داخلی کشورهای اسلامی افزایش یابد و از آنجا که پدیده اسلام سیاسی در شماری از دولت های مهم اسلامی، نادرست اعمال می شود، در طی چند سال آینده، اسلام گرایان برای رسیدن به قدرت، در یک یا تعدادی از کشورهای خاورمیانه، فرصت های بهتری دارند. وی در عین حال معتقد است، بیشترین تهدید برای نظام[های] دیرین در اغلب کشورهای اسلامی، از جانب اسلام سیاسی است، نه تهدیدات ناشی از خود غرب. اسلام سیاسی به بهره بردن از نارضایتی های ناشی از نظام کهن، برنامه ای را در جهت بدست گرفتن قدرت و دگرگونی وضع موجود، دنبال می کند. (4)

گراهام فولر طی سخنرانی خود در سمینار "اسلام سیاسی و غرب" که در روزهای هشتم و نهم آبان 1376 در نیکوزیا برگزار شد، عنوان می دارد: "من می خواهم بگویم که اسلام سیاسی در این مرحله از پیشرفتش، باید بپذیرد که در هیچ کشوری به قدرت کامل نمی رسد. اگرچه شرایط در کشوری نسبت به کشور دیگر و از حزبی به حزب دیگر متفاوت است، ولی اسلام سیاسی فاقد تجربه کاری در حکومت ها و تمام پیچیدگی های مسائل سیاسی معاصر می باشد. دوم اینکه رسیدن به قدرت قبل از موعد مقرر و عدم آمادگی برای رو در رو شدن با مسائل خیلی جدی، تنها باعث بدنامی اسلام گرایان در انظار مردم و جهان می گردد. در این اثنا، بهتر است بیشتر احزاب اسلام گرا به صورت محدود، در حکومت مشارکت نمایند تا تجربه عملی و هوشمندانه بدست آورند." (5)

از سوی دیگر، وی معتقد است، بسیاری از برخوردهای موجود و بالقوه میان اسلام و غرب، الزاما به اسلام سیاسی مربوط نمی شود. این رویارویی می تواند به عنوان بیان ناکامی و یا دشمنی از سوی مسلمانان نمایان شود، مسلمانانی که به طور مشخص هوادار اسلام سیاسی نیستند، اما با این وجود، اعتراضاتی دارند که بر رفتار سیاسی شان علیه غرب تاثیر می گذارد. (6)

نکته حائز اهمیتی که گراهام فولر به آن اشاره می کند، مساله اسلام در غرب است. به عقیده وی، "موضوع تنها مساله اسلام و غرب نیست، بلکه مساله اسلام "در" غرب است. بسیاری از موضوعات اساسی در روابط میان اسلام و غرب، با مسائل اجتماعی در خود غرب مرتبط است تا روابط بین دولت ها. خشونت علیه اجتماعات بزرگ و جاافتاده مسلمان، عامل مهم بی ثباتی در اروپای جدید می باشد و بر روابط گسترده میان اسلام و غرب، تاثیر منفی داشته است. سرنوشت مسلمانان و بی تفاوتی و سکوت غرب، بر رفتار مسلمانان نسبت به آمریکا و غرب، حتی در اغلب محافل غیرمذهبی میانه رو در جهان اسلام تاثیر قابل توجهی داشته است." (7)

پی نوشت ها:

1- گراهام فولر و یان لسر، ژئوپولتیک اسلام وغرب، ترجمه مجید بقالپور و مجید چمنی، پایان نامه کارشناسی، تهران: دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه،1376، ص 4.

2- همان، ص 218.

3- گراهام فولر، "اسلام سیاسی و سیاست ایالات متحده"، ترجمه مهدی شوشتری، ماهنامه اسلام و غرب، دفتر تحقیقات اسلامی وزارت امورخارجه، شماره 5 و6، دی و بهمن 1376، ص 39.

4- گراهام فولر و یان لسر، منبع پیشین، صص 7-6.

5- گراهام فولر، "اسلام سیاسی و سیاست ایالات متحده،" منبع پیشین، ص 40.

6- گراهام فولر و یان لسر، منبع پیشین، ص 9.

7- همان، ص 229.